



یادداشت

بازار کار مهمترین عرصه پیکار زنان برای برابر حقوقی با مردن است

صادق کار



۸ مارس روز جهانی زن است. انگیزه بنیانگذاری این روز بی حقوقی زنان و تبعیض جنسیتی در میان مردان و زنان در هنگام بنیانگذاری آن و پایان دادن به این نابرابری و تبعیض جنسیتی بوده است. امروزه در پرتو تلاش جنبه‌های زنانه‌ای که هم روز جهانی زن را در انترناسیونال سوسیالیستی بنیان نهاد و هم زمینه تشکیل و رشد جنبه‌های زنان در کشورهای مختلف را پس از آن بوجود آورد زنان در اکثر کشورهای جهان توانسته‌اند به درجات متفاوتی قوانین مردسالارانه و تبعیض آمیز و سنتی را از میان بردارند و قوانین مدرن و مترقیانه تری را که در راستای برابر حقوقی زنان باشد جایگزین آنها نمایند.

با این همه تبعیض و نابرابری در قوانین و رفتار و شرایط شغلی، مزدی، حقوقی و اجتماعی در قوانین تعدادی از کشورها بجای خود هستند و از طرف جریان‌های محافظه کار کهنه اندیش محافظت و پاسداری می‌شوند. در کشورهای پیشرفته که در اثر مبارزات احزاب و اتحادیه‌های کارگری و جریان‌های مترقی زنان توانسته‌اند قوانین را در جهت بهبود حقوق زنان تغییر دهند. با وجود تغییر قوانین اما هنوز در عمل برابر کامل میان زن و مرد در همه عرصه‌های زیستی وجود ندارد.

یکی از بارزترین تبعیضات باقی مانده نابرابری در دستمزد و اشتغال است. بطوریکه حتی در کشورهای اسکاندیناوی و اروپای شمالی که در این خصوص نیز پیشرفته‌تر از بقیه کشورها هستند نابرابری بین دستمزد مردان و زنان وجود دارد. در این کشورها علاوه بر نابرابری و تبعیض مزدی سهم زنان از مشاغل نیمه وقت و پاره وقت که درآمد کمتری دارند بیشتر و آزار جنسی زنان نیز به بقای خود ادامه می‌دهد. وجود این نابرابری و تبعیضات در شرایط رفاهی و کیفیت زندگی زنان تاثیر منفی می‌گذارد و به نوبه خود برابری کامل را مانع می‌گردند. نتیجه این



که وجود تبعیضات جنسی در بازار کار مهمترین تاثیر منفی را همچنان در خصوص نابرابری میان زنان و مردان دارند.

جنبش کارگری و زنان نیز که افتخار بنیانگذاری روز ۸ مارس در جهان و تبدیل آن به یک جنبش جهان گستر را داشتند از ابتدا نابرابری و تبعیض میان مرد و زن در محل کار را نقطه عزیمت خود برای رسیدن به برابری قرا دادند. در آن زمان و تا ده‌ها سال بعد زنان در پیشرفته ترین کشورهای سرمایه‌داری نیز فاقد حق انتخاباتی بودند و حتی از دادن رای به مردان مورد نظر خود محروم بودند. اما جنبش زنان به همراه اتحادیه‌ها و احزاب کارگری و مترقی به سرعت توانستند با پیکار پیوسته، بسیاری از قوانین و اسپرگرایانه را از میان بردارند و چهره جهان را تا حدود زیادی از این لحاظ نیز تغییر دهند.

در کشور ما نیز پرچم دفاع از حقوق زنان و پیشبرد آن از آغاز در دست احزاب و اتحادیه‌های کارگری و جریانات دمکراتیک و ترقی خواه قرار داشت. مروری بر اسناد به جا مانده از احزاب و اتحادیه‌های کارگری از صد سال پیش تا کنون حاکی از این واقعیت هستند. در اثر مساعی و پیکار این نیروها بسیاری از قوانین و اسپرگرایانه که حقوق زنان در آنها محلی از اعراب نداشتند به سود زنان دچار تغییرات زیادی شدند. این تغییرات تا قبل از به قدرت رسیدن رژیم کنونی ادامه یافتند و زنان توانستند بر غم مخالفت روحانیون مرتجع به بخش قابل توجهی از حقوق شان برسند. ولی از آن هنگام تا کنون رژیم فقهاتی توانسته است بخش قابل ملاحظه‌ای از حقوق زنان را از میان بردارد و از این لحاظ جامعه را بطور موقت هم که شده به عقب ببرد. نتیجه این اقدامات ارتجاعی محروم و محدود کردن زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی و از همه مهمتر از بازار کار بوده است.

در قانون کار هر نوع تبعیض مردود شمرده شده است و مقرراتی که تامین کننده و تسهیل کننده شرایط کار زنان است گنجانده شده. در قانون اساسی حکومت نیز ایجاد اشتغال برای همه بدون قید نام زن و مرد ظاهرا مورد تأیید قرار گرفته. با این همه نه تنها هیچکدام از آنها اجرا نمی‌شوند، بلکه چنانچه از آخرین آمار نرخ مشارکت زنان که اندکی بیشتر از ۱۴ درصد است هویداست محدودیت‌های بسیاری بر سر راه ورود زنان به بازار کار ایجاد شده است که ورود زنان به بازار کار بسیار دشوار کرده است. یکی از این محدودیتها ممنوع کردن زنان از تعدادی از مشاغل مهم است. ایجاد محدودیت بر سر راه اشتغال زنان خود به تنهایی به منزله محرومیت زنان از حقوق سیاسی و اجتماعی است. زیرا کسی که از حقوق برابر در امر اشتغال برخوردار نیست نمی‌تواند از حقوق کامل و برابر در زمینه‌های دیگر برخوردار شود بهمین جهت برابر حقوقی در محل کار اساس حقوق برابر در تمام عرصه‌های دیگر جامعه است.

این درست است که رژیم همه قوانین کار و تامین اجتماعی را بسود کارفرمایان و علیه حقوق کارگران اعم از زن و مرد از میان برداشته با این احوال تبعیض هدفمند علیه زنان که به قصد راندن هرچه بیشتر آنها از بازار و محیط کار صورت می‌گیرد مضاعف است.

نرخ مشارکت زنان البته در ایران همیشه اندک بوده است. بعنوان مثال سهم زنان از بازار اشتغال در سال ۵۵ اندکی بیش از ۹ درصد بوده است. با این تفاوت که در آن هنگام تنوع شغلی که زنان می‌توانستند انتخاب کنند بیشتر از سالهای بعد از انقلاب بوده است. این مشارکت در سال ۶۵ حتی اندکی کاهش و به زیر ۹ درصد سقوط کرد.



از سال ۶۵ تا کنون نیز سهم زنان به حدود ۱۵ درصد رسیده. این مقدار افزایش در چنین مدتی طولانی با در نظر داشت سهم ۶۵ درصدی زنان فارغ التحصیل دانشگاهی و جنبش پر تحرک زنان بسیار ناچیز است.

جنبش زنان برای اینکه بتواند با قوانین و محدودیتهای تبعیض آمیز و زن ستیزانه و واپسگرایانه حکومت مقابله کند و راه رسیدن به مطالبات اش را تسهیل کند لازم است برای افزایش سهم زنان از بازار اشتغال که شرط مقدم در راه رسیدن به حقوق برابر و رفع تبعیض و ستم جنسی است، تمرکز بیشتری کند. لازم است، پیوندهای جنبش زنان با زنان کارگر و شاغل و بطور کلی جنبش کارگری این مدافع و متحد همیشگی خود را گسترده و تحکیم نماید.



به سرکوب سندیکاهاى کارگری

پایان دهید!



افول نئولیبرالیسم: نمایشنامه در سه پرده بخش سوم

فردناندو روگیتسکی



یکی از فردتهیل "حباب مسکن": بدفر و خسته، همراه شده، بنوا

فردناندو روگیتسکی، ژورنال برزیلی اقتصاد سیاسی، دسامبر ۲۰۲۰

پرده اول: اقتصادی

الگوی مثلثی و زنجیره دومینو – ادامه

فزونی تقاضای مردم از کشورهای تولیدکننده – به زبان تقریبی امریکا، بریتانیا، و کشورهای مقدم اروپا – برای کالاها و خدمات، چنان که می توان انتظار داشت، با فزونی پایدار درآمد آنان همراه نبود. بیشتر مردمان این کشورها سالهای سال با دستمزدهای راکد زندگی می کردند. این وضع از دو روند ناشی شده بود: ۱- ضعیف شدن اتحادیه ها در زیر هجوم حکومت‌های نئولیبرال، و ۲- انتقال بسیاری مشاغل با دستمزدهای نسبتاً بالا به "کشور-کارگاه" های جدید دنیا، که به نوبه خود موجب فرسایش صنایع داخلی شده بود

علیرغم رکود دستمزدها در این کشورها، بهبود دائمی الگوی مصرف در سایه افزایش بدهکاریها - که از طریق حباب دارائی (و مشخصاً حباب مسکن) تشویق می شد - میسر شده بود. به قول آلدو باربا Aldo Barba و ماسیمو پیوتی Massimo Pivetti وام به جای دستمزد نشسته بود.

مورد امریکا شناخته شده است؛ شاید به این دلیل که این مورد مرکز زلزله بحران مالی بود. به نظر می رسد نیازی نباشد به بررسی حباب مسکن در امریکا، که در سالهای پیش از بحران رخ داد، بپردازیم و به رابطه آن با هرم شکننده مالی، که با انواع وامهای غیرشفاف آمیخته بود. اما نباید پروسه های مشابهی را از نظر دور داشت که در بریتانیا و اتحادیه اروپا رخ دادند. افزایش قیمت مسکن در بریتانیا، یونان، اسپانیا و ایرلند در فاصله سالهای



۲۰۰۱ تا ۲۰۰۶ از آنچه در امریکا ثبت شده، بیشتر بود. در ارتباط با اتحادیه اروپا، پذیرش پول واحد (اورو) افزایش ناگهانی اعتبارات ارزان را باعث شد و این به نوبه خود موجب روندی بهمن واره شد: افزایش قیمت دارائیه (به شمول مسکن) موجب افزایش ظرفیت خانوارها برای گرفتن وام، و بنابراین وامهای دریافتی، می شد، و این یکی به تقاضا برای کالا و خدمات و افزایش قیمت دارائیه دامن می زد.

این تأمین اعتبار بی سابقه برای خانوارها، هم تقاضا برای بخش قابل توجهی از تولید جهانی و هم نوعی ثبات نسبی سیاسی را تضمین کرد و تأثیر نابرابری درآمد بر نابرابری الگوهای مصرف را، هرچند بسیار ملایم، کاهش داد. این در واقع یک راه حل مقدماتی برای مسئله "تحقق و مشروعیت بخشیدن" بود، که به عنوان یک اثر جانبی باعث تشدید تبعیت طبقه کارگر شد (ادبیات گسترده ای حاکی از آن است که بدهی نقش انضباطی دارد). با این حال، چنین راه حلی محکوم بود موقتی باشد، زیرا موجب چنان شکنندگی مالی عظیمی شد که سرانجام در بحران ۲۰۰۸ چهره کرد.

بحران ۲۰۰۸ نظم مرسوم امور را مختل کرد، به ناطمینانی اقتصادی دامن زد و اقتصادی جهانی را در سال ۲۰۰۹ زمینگیر کرد. مسئولان امور پولی بلافاصله برای نجات مؤسسات مالی و بازگرداندن اوضاع به روال پیشین دست به کار شدند، اما آشکار شد که ترمیم غیرممکن است. کاهش ناگهانی درآمد و ثروت طبقه کارگر توأم با افزایش بیکاری و سقوط قیمت مسکن موجب روند طولانی مدت کاهش سود و مانع از استقرار شد. اگرچه بانکهای مرکزی به میزان معتناهی از نرخ بهره کاستند، و گاه آن را به صفر رساندند، و مقادیر بسیاری پول وارد بازارهای اعتبارات کردند (اقدامی که به "تسهیل کمی" مشهور است)، اما اکثریت بزرگ مردم نتوانست ظرفیت اش را برای درخواست وام جبران کند. با توجه به عملکرد بازار جهانی در این دوره، اخلاص در روندی که باعث پایداری مصرف در کشورهای تولیدکننده تقاضا می شد، باعث سقوط اولین دومینو شد که با قدری تأخیر، به "کشور-کارگاه" های جهان رسید و سپس دامن کشورهای صادرکننده کالاهای اولیه را گرفت. انتقال تدریجی بحران به "شرق" نتیجه الگوی مثلثی اقتصاد جهانی بود. انفجار کالا در پهنه جهانی بیانگر تکانه تولید شده توسط چین در راس سوم مثلث است که همچنین برخی از کشورهای، از آمریکای جنوبی تا آفریقا و نیز روسیه را دربر می گیرد. بیلگه ارتن Bilge Erten و خوزه آنتونیو اوکامپو José Antonio Ocampo در یک ارزیابی تجربی دقیق از قیمت کالاهای اولیه از قرن ۱۹ تا حال حاضر، به این نتیجه رسیدند که "شدت و مدت زمان دراز این افزایش اخیر قیمت کالاها بازتاب تاب آوری فوق العاده روند رشد متقاضیان عمده کالاها، در کشورهای در حال توسعه و به ویژه در چین است." کوین گالاگر Kevin Gallagher این رابطه را به طور مشخص تری بیان می کند: "چین با عروج خود، نفت و نزوئلا، اکوادور و مکزیک را سرمی کشد تا به ناوگان در حال گسترش خودروها، کامیونها و کشتیهای کانتینردار خود سوخت برساند. چین بیش از نیمی از محصولات الکترونیکی مصرفی جهان را با مس شیلی و پرو سیم کشی کرده است. بیشتر فولاد شهرهای جدید چین با میله آهنهای برزیلی ساخته می شود. با بالا رفتن سطح زندگی در چین، چینی ها گوشت گاوهای را مصرف می کنند که غذای شان دانه های سویای آرژانتینی و برزیلی بوده است.

با افول کشورهای تولیدکننده تقاضا، "کشور-کارگاه" های جهان مجبور شدند سرعت انباشت خود را کاهش دهند و سهم بیشتری از تولیدات خود را به سمت بازارهای داخلی شان سوق دهند. صادرکنندگان کالاهای اولیه نیز به نوبه خود با کاهش قیمت در بازارهای بین المللی و فشار بر حساب های جاری شان روبرو شدند. با پایان دوره انفجار



کالاها، تکانه ای که در یک دهه قبل از بحران موجب تحرک این اقتصادها شده بود، با بروز بحران باعث سقوط آنها شد. سیاست های "ضد سیکلی" موفقیت آمیزی که دولت برزیل در سال های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ اتخاذ کرد، به کاهش شوک کوتاه مدت کمک کرد و آن را به یک مارولینا - موجی کوچک، تعبیری که لولا دوسیلوا، رئیس جمهور وقت برزیل، به این مناسبت به کار برد - تقلیل داد.

اما چند سال بعد بود که شوک ساختاری از طریق چین و با از بین رفتن الگوی مثلثی که زمینه ساز انفجار کالائی بود، فرارسید. این شوک یکی از عوامل تعیین کننده بحران عظیم اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بود که در سال ۲۰۱۴ برزیل را فراگرفت.



بیمه‌ی بیکاری برای بیکاران!



مکتی بر فرار ۱۰۰ میلیارد سرمایه از کشور

صادق



مسعود خوانساری رئیس اتاق بازرگانی تهران که اخیراً ت به یکی از منتقدان سیاست ارزی دولت روحانی تبدیل شده و هر از چند گاهی به بهانه های مختلف علیه سیاست دولت موضع می گیرد، اخیراً به بهانه فرار ۱۰۰ میلیارد دلار سرمایه از کشور بار دیگر دولت روحانی را به شدتی به مراتب بیش از گذشته مورد حمله قرار داده است. انتقاد او و برخی دیگر از همکاران او در اتاق بازرگانی که تا مدتی پیش از حامیان پر و پا قرص دولت روحانی و سیاست های دولت در مسائل اقتصادی و سیاسی بودند و خود در تعیین بیشتر سیاستهای دولت نقش داشتند در بدو امر شاید کمی دور از انتظار به نظر برسد و عجیب باشد. چرا که اعضا و رهبران اتاق بازرگانی این تشکل کارفرمایی دینفوذ همواره خود از بابت رابطه حسنه‌ای که با دولت‌ها داشته‌اند سودهای هنگتی کسب کرده‌اند و حملات شان نوعی نمک شناسی محسوب می شود.

با این حال آنها نیز جز آن دسته از خودی های گذشته دولت هستند که با نزدیک شدن پایان کار روحانی و تشخیص وزش جهت باد به روحانی پشت نموده و برای رقبای در حال عروج وی سیگنال میفرستند. اما قضیه تنها این نیست. آنطور که از اظهارات برخی از روسای اتاق بازرگانی برمی آید اصل دعوا نه بر سر فرار ۱۰۰ میلیارد سرمایه از کشور، بلکه بر سر آزاد شدن ارز از یکسو و کسانی است که در اثر میدان دادن دولت به آنها توانسته‌اند این همه سرمایه را بدون مانع از کشور خارج کنند

آنها عصبانی و خشمگین هستند چون مدتی پیش دولت از روی ناچاری به خاطر بحران مالی خیلی محترمانه از تجار و بازرگانان خواسته بود که ارزهایی را که برای واردات کالا گرفته با نرخ ترجیحی ۴۲۰۰ تومانی از دولت گرفته و جهت خرید کالا از کشور خارج کرده‌اند و بر نگردانده اند برگردانند. همین ها که امروز خود را نگران فرار سرمایه از کشور جا می زنند، همان موقع از این درخواست دولت بر آشفته شدند و آن را ایجاد محدودیت بر سر راه تجارت آزاد قلمداد می کردند. روسای اتاق بازرگانی که خود طرفدار بازار به اصطلاح آزاد اقتصادی و از مشوقان سیاستهای نئولیبرالیستی دولت بوده‌اند طبعاً نمی توانند با خروج ارز از کشور که بخشی از تبعات تجارت آزاد است مخالف باشند. کما اینکه قبلاً نیز در سالهای گذشته با انتقال ارز به خارج توسط سرمایه داران وابسته به قدرت از کشور این آقایان ابراز مخالفت نکرده‌اند. رئیس اتاق بازرگانی تهران مقصود دیگری



گذر و نظری بر رویدادهای کارگری هفته

جنگ کارگری



در آستانه نوروز افزایش دستمزد و حقوق بازنشستگی و پرداخت به موقع و منظم دستمزدها به مهمترین مطالبات کارگران و مزدبگیران شاغل و بازنشسته در سراسر کشور تبدیل گردیده. افزون بر این ها اجرای طبقه بندی مشاغل نیز که در پیوند با مبارزه برای افزایش دستمزدها قرار دارد نیز از مطالبات مطرح کارگران در شرکت های پیمانکاری و صنایع پتروشیمی و نفت است. وارد شدن کارگران قراردادی نفت اما مهمترین رویداد کارگری در یکی دوماه اخیر است. در مجموع می توان گفت که اعتراضات کارگری همچنان با آهنگی پرشتاب ادامه دارند.

تداوم تجمعات اعتراضی بازنشستگان

در یکشنبه این هفته نیز بازنشستگان تامین اجتماعی به دعوت تشکلهای مستقل و نوپای بازنشستگان در بسیاری از شهر های کشور با شعار (تاحق خود نگیریم از پا نمی نشینیم راهی خیابانها شدند و با خروشی پر قدرت تر از دفعات قبل خواستار، عملی کردن مطالبات بر حق شان شدند.

افزایش حقوق و مستمری ها به اندازه هزینه های واقعی زندگی، بیمه درمانی کارآمد و رایگان، اجرای واقعی قانون همسان سازی و غیر تبعیض آمیز آن و همچنین پرداخت بدهی های دولت به صندوق تامین اجتماعی شدند. در ادامه این اعتراضات بازنشستگان فولاد اصفهان و خوزستان نیز در مقابل استانداری های این دوشهر تجمع و خواستار اختصاص بودجه لازم جهت همسان سازی شدند. در این دو تجمع که بطور همزمان در ۱۳ اسفند برگزار شد بازنشستگان فولاد ۷ خواسته خود را که کم و بیش مشابه سایر بازنشستگان است به اطلاع مسئولین و مردم رساندند.

کارگران نفت و فولاد نیز خواستار افزایش دستمزد شدند

در پی برگزاری چند تجمع در یکی دوماه گذشته توسط کارگران قراردادی نفت برای افزایش دستمزد و اجرای طبقه بندی مشاغل در مقابل وزارت نفت، کارگران نفت و فولاد به همراه گروه کثیری از کارگران صنایع مختلف کشور در ۱۴ اسفند بار دیگر خواستار افزایش دستمزدها ی خود به اندازه سبد هزینه های واقعی زندگی شدند. گفتنی است که شورای عالی کار امسال نیز قصد دارد مقدار اندکی که حتی کمتر از نرخ تورم رسمی است بر



دستمزدها بیفزاید که در واقع یک افزایش صوری و کاهش واقعی دستمزدها است. همین موضوع به اعتراضات کارگران دامن زده است. بهمین جهت امسال نیز آنها اعلام میزان دستمزد را به روزهای پایانی سال موکول کرده‌اند که فرصت اعتراض بیشتر را از کارگران بگیرند. نمایندگان تشکل‌های کارگری وابسته به قدرت حاکم نیز با اینکه این را می‌دانند ولی بخاطر سرسپردگی به حکومت و صاحبان سرمایه و منافع شان از خبر رسانی درست و به موقع به کارگران خودداری می‌کنند. با این همه تشکلهای مستقل کارگری که دست آنها و شورای عالی کار را خوانده‌اند، با انتشار فراخوان مشترکی کارگران، معلمان، بازنشستگان و دیگر گروه‌های مزد بگیر را به یک تجمع مطالباتی در ۱۷ اسفند مقابل وزارت کار فرا خوانده‌اند تا مطالبات و انتظارات این گروه‌ها را مطرح و جهت تحقق شان مبارزه کنند. بطورکلی گرایش به اتحاد و همکاری و سازمانیابی و مبارزات مشترک میان تشکلهای مستقل کارگری امسال به نحو بارزی رشد نموده است که این خود می‌تواند نوید بخش دست یافتن زحمتکشان به مطالبات شان باشد و در واقع یک نقطه عطف باید تلقی شود.

اعتصاب کارگران ابنیه فنی در ورامین

بنا به خبری که در ۱۴ اسفند در کانال رسمی کارگران ابنیه فنی راه آهن منتشر شد. کارگران این منطقه به دلیل بی توجهی کارفرما به مطالبات شان اعتصاب کرده‌اند. همچنین کارگران ابنیه فنی شاغل در پروژه ریلی سیریز به زرد کرمان به گزارش اینلنا نسبت به پرداخت نشدن طلب‌های مزدی شان در سه ماه گذشته معترض هستند. شایان ذکر است که اعتصاب و اعتراض در میان کارگران فنی راه آهن در سال جاری بسیار وسیع بوده است. خواسته‌های عمده کارگران ابنیه فنی در مناطق مختلف کشور یکسان و از اعتراض به قراردادهای کاری، تا افزایش دستمزد و پرداخت نشدن منظم دستمزدها را شامل می‌شود. کارگران ابنیه فنی که در اعتراضات شان بسیار هماهنگ عمل می‌کنند، اگر بتوانند یک تشکل سراسری حرفه‌ای برای خود ایجاد کنند، راحت‌تر و موثرتر می‌توانند به مطالبات شان برسند. به نظر می‌رسد ظرفیت چنین تشکلی در میان کارگران شرکت تراوست باشد.

تجمع دگر باره معلمان حق التدریسی مقابل وزارت آموزش و پرورش

جمع کثیری از معلمان حق التدریسی در ۱۲ اسفند در اعتراض به موانعی که وزارت آموزش و پرورش بر سر رسمی کردن آنها قرار داده و به بهانه آن از تبدیل قراردادهای آنها امتناع می‌ورزد تجمع و خواستار برداشتن آزمون که در واقع نوعی گزینش محسوب می‌شود شدند. از نظر معترضین باتوجه به سالها سابقه کاری در آموزش و پرورش بعنوان معلم نیازی به شرکت آنها در آزمون نیست و آنها در عمل این آزمون را در طول مدت خدمت خود گذرانده‌اند.

تجمع کارگران پیمانی پالایشگاه پنجم پارس جنوب

به گزارش اتحادیه آزاد کارگران در ۹ اسفند حدود صد نفر از کارگران بخش تعمیرات پالایشگاه پارس جنوبی که برای شرکت تکاب صنعت کار می‌کنند در اعتراض به جلوگیری پیمانکار از ورودی تعدادی از همکاران شان تجمع نمودند. علت ممانعت از ورود این کارگران آنطور که از گزارش بر می‌آید نقش داشتن این عده از کارگران در سازماندهی اعتراضات کارگران بوده است. مرسوم است که عده‌ای از کارفرمایان در پی هر اعتصابی عده‌ای از رهبران و فعالان شناخته شده را از کار اخراج کنند. هدف از اخراج جلوگیری از اعتصاب است. با این



حال آنها کمتر موفق به جلوگیری از اعتصابات می شوند که در میان کارگران زمینه دارد. در این اواخر نیز خوشبختانه مقاومت کارگران در مقابل این اخراج ها بیشتر شده اند.

تجمع کارگران قراردادی در سازمان منطقه ویژه اقتصادی

کارگران مدت موقت شاغل در سازمان منطقه ویژه اقتصادی در ۱۰ و ۱۱ اسفند در اعتراض به اجرا نشدن طرح طبقه بندی مشاغل در مقابل دفتر این سازمان تجمع و خواستار اجرای طرح طبقه بندی شدند.

۹ کارگر در حادثه آتش سوزی یک کارخانه لوازم آرایشی و بهداشتی مصدوم شدند

بنا به گزارش ایلنا ۹ کارگر کارخانه دواگر " واقع در استان زنجان در یک آتش سوزی که در این کارخانه در میانه هفته اتفاق افتاد مصدوم شدند. به نوشته ایلنا وضعیت سه تن از حادثه دیدگان وخیم است.

مسئولین کارخانه تا کنون خبری در مورد علت تلفات بالای این حادثه شوم و خود آتش سوزی نداده اند. با این حال گزارشات متعدد منتشر شده در مورد رشد سریع و بی وقه حوادث کار و تلفات انسانی آن حاکی از رعایت نکردن اصول ایمنی و بهداشتی، نبود نظارت ادارات کار، ممنوعیت فعالیت سندیگاهای کارگری، و سودجویی کارفرمایان است. عدم مجازات مسببین این حوادث توسط دادگستری نیز به نوبه خود در جدی گرفته نشدن این مسائل و افزایش حوادث نقش موثری داشته و دارند.

تجمع کارگران بازنشسته هتل بین المللی لاله

کارگران بازنشسته هتل لاله تهران در این هفته با برگزاری تجمعی در مقابل این هتل نسبت به پرداخت نشدن حق سنوات خود با وجود گذشت ۴ سال از زمان بازنشسته شدن خود اعتراض و خواستار پرداخت آن شدند. ظاهراً مالک هتل حق سنوات کارگران بازنشسته را که هر یک ۳۰ سال سابقه کار در این هتل دارند حاضر نشده با وجود گذشت ۴ سال بصورت یک جا به آنها بپردازد. عده ای از کارگران طلب های مزدی دیگری هم دارند که دریافت نکرده اند. فشار معیشتی و حقوق بازنشستگی اندک و گران شدن مداوم هزینه های زندگی این کارگران را بر آن داشته که برای گرفتن مطالبات شان به اعتراض روی بیاورند.

***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

sabosob@gmail.com

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را می توانید در آدرس زیر**

ببینید:

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>

دولت باید معاش تهی داستان و آسیب دیدگان کرونا را تامین کند!